

نشریه

پیام فلز کار

شماره نهم - تیرماه 91

کارگر متحد همه چیز ، کارگر متفرق هیچ چیز

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

Email: skfelezkar@gmail.com

درس هایی از خرد جمعی سندیکای کارگران کفایش
تاکید ILO بر آزادی تشکل ها و چانه زنی جمعی
شورای عالی دستمزد، کارگران رابه مرگ تدریجی محکوم
کرده است.

عمده واردات گوشت و مرغ در دست چه کسانی است؟
پایانه های گمرکی به بخش خصوصی واگذار می شود
گزارش یک گفتگو

خبرنامه فلز کار شماره 43

کودک، کار، زندگی - کودکان کار، کارگران فردا

ریزگردها و مشکلات بهداشتی

تاریخچه سندیکای کارگران منبع آب تهران

(آسیب شناسی جنبش سندیکایی نوین)

درس هایی از خرد جمعی سندیکای کارگران کفاش

در دهه چهل و پنجاه، سندیکای کارگران کفاش تهران شاهد بُرزدیدگاههای مختلفی در درون سندیکا بود. عملکرد هیات مدیره و خرد جمعی سندیکا مانع از ایجاد شکاف در درون سندیکای کارگران کفاش شد. تجربه و عملکرد سندیکای کارگران کفاش می تواند راهنمای خوبی برای کارگران جوان و جریان سندیکا خواهی نوین باشد.

در 1341/11/6 با اعلام اصول شش گانه به اصطلاح انقلاب شاه و ملت توسط محمدرضا پهلوی، همه گروهها ملزم شدند در این رابطه اظهار نظر کرده و در نهایت به اجبار آن را بپذیرند. انقلاب سفید در زمانی مطرح می شد که رابرت کندی از حزب دموکرات به ریاست جمهوری آمریکا انتخاب شده بود. شاه که از طرفداران حزب جمهوری خواه آمریکا بود، مجبور گردید در سیاست داخلی و اداره و ساختار کشور بنا به دستور مشاورین آمریکایش تجدیدنظرهایی اعمال کند. به همین دلیل امینی رابه نخست وزیری منصوب کرد و اجازه داد جبهه ملی سوم فعالیتش را آغاز کند، و تاحدودی دست احزاب مورد نظرش را در انتخابات مجلس شورا باز بگذارد. در سیاست اقتصادی، ساختار دهقانی موجود سد راه توسعه سرمایه داری مونتاز بود. شاه همچنین برای رقابت با شعارهای پُر جاذبه حزب توده ایران و تظاهر به مردم دوستی حتا نام این رفورم را انقلاب سفید شاه و ملت گذاشت. تلاش شاه برای ایجاد رفورم هایی در سطح ساختارهای زیرین و رو بنایی جامعه آغاز شد. هر چند در همان زمان گروههای این رفورم را خواست جامعه آن روزی می دانستند ولی یقین داشتند که شاه ظرفیت اجرای این رفورم را نخواهد داشت، و این تغییرات در حد شعار و تبلیغات خاموش خواهد شد. بعد از ترور کندی، امینی عزل و بساط احزاب شاه خواسته برچیده و رهبران جبهه ملی نیز برای مدتی دستگیر شدند.

در زمان طرح رفورم شش گانه شاه، در گروههای چپ نظرات متنوعی ابراز می شد. جناحی این رفورم را قبول نداشت و بآن مخالفت می ورزید و تنها انقلاب را چاره کاری دانست، که زمینه عملی شدن نداشت. بخشی از گروههای چپ رفورم را می پذیرفتند، ولی می دانستند که شاه ظرفیت اجرای صحیح چنین رفورمی را ندارد، امامی گفتند: «با آگاهی دادن به توده های دهقان باید آنان را در مقابل شاه و تبلیغاتش واکسینه کرد.» جبهه ملی مطرح می کرد: «که اگر ما نپذیریم از طرح کننده آن (شاه) عقب خواهیم ماند.» البته اصلاحات ارضی به نفع دهقانان، تشکیل سپاه دانش، بهداشت، ترویج و آبادانی برای بالا بردن سطح سواد، بهداشت و آگاهی های کشاورزی راهیچکس منکر نبود، ولی قبول داشتن رفورم یک مسئله بود، ابزار به اجرا درآوردن آن مسئله دیگری، که از طرف منتقدین مطرح می شد. منتقدین می گفتند: «ما رفورم را می پذیریم و از شاه خواهیم خواست که آنرا انجام دهد و انجام ندادن رفورم واقعی توسط شاه باعث افشاشدنش خواهد شد، و این امر به بالا رفتن سطح آگاهی مردم و سطح مطالباتی جنبش کمک خواهد کرد.»

سندیکای کارگران کفاش تهران نیز در این بُره از زمان، برکنار از این برخورد دیدگاهها نبود. در اواسط مرداد 42 وزیر کار خسروانی، به هیات مدیره سندیکای مستقل کارگران کفاش اطلاع داد که آنان می توانند درگردهمایی ورزشگاه امجدیه سخنران معرفی کنند. هیات مدیره این امر را برعهده حسین سمنانی رییس هیات مدیره گذاشت. حسین سمنانی در جلسه ای که در وزارت کار و در حضور خسروانی

وزیرکار تشکیل شده بود، اعلام کرد: «در صورتی به ایراد سخنرانی خواهد پرداخت، که متن آنرا خود بنویسد» که مورد قبول خسروانی واقع شد. در گردهمایی ورزشگاه امجدیه به تاریخ 42/5/27 که مستقیم از رادیوپخش می شد، حسین سمنانی ضمن بازگویی تاریخ و فشار ظالمانه مالکان به دهقانان و حمایت حکومت های جابر از فئودالها و شرح تاریخچه ای از مبارزه و مقاومت دهقانان علیه مالکان و فئودالها و تعدی و تجاوز حکومت ها علیه طبقه زحمتکش و دهقانان و کارگران، که افشای ضمنی رژیم شاه بود، اعلام کرد: «اصلاحات ارضی خوب است اما برای این امر ضامن اجرایی در نظر گرفته نشده است که این به نفع دهقانان نیست. کشاورزان توانایی مالی اداره مزرعه خود را از خرید کود، بذروتامین معاش یک ساله را ندارند، که این به مقروض شدن دوباره دهقان منجر خواهد شد. طی روندی 2 الی 3 ساله دهقان زمینش را از دست داده و باز هم مالکان صاحب زمین شده و دهقان بی زمین به خیل بیکاران خواهد پیوست.»

در این هنگام چه در هیات مدیره سندیکا و چه در بدنه سندیکا افرادی به این روش موضع گیری کرده آنرا خطا می دانستند. دیدگاههایی، پذیرفتن این روش سندیکا را که در حکومت شاه با نرمش هایی بتوان کار سندیکایی کرد را قبول نداشتند و بقولی در رادیکالیزه کردن سندیکای مستقل کارگران کفاش تلاش می کردند. آنان راهکاری ارایه نمی دادند، که چنانچه سندیکای کفاش، وزارت کار و دولت را مجبور به گسترش چتر بیمه تامین اجتماعی حتابه صنوف نکند، و یا تلاش برای تعیین حداقل دستمزد هر ساله کارگران و تشکیل هیات حل اختلاف با حضور نماینده سندیکا برای دفاع از حقوق کارگران نپردازد، از چه طریقی می توان به این حقوق دست یافت؟ و از حقوق کارگران دفاع کرد؟؟ این دوستان که از مواضع چپ روانه بر عملکردهای مدیر سندیکای کارگران کفاش ایراد می گرفتند، تا بدانجا پیش بردند که این موضوع به یک بحران برای سندیکای کارگران کفاش درآمد. آنان دعوت از وزیر کار برای حضور در جشن های سندیکایی، نوشتن نامه به وزیر کار برای مسایل کارگران، اعلام مشروط پذیرش رفورم شاه و بطور کلی کار کردن در چارچوب حکومت شاه را سازشکارانه می دانستند. آنان در مقابل انتقاداتی که به روش کار هیات مدیره سندیکا داشتند، هیچگاه راهکاری برای انتقادات خود ارایه نمی دادند، ولی سندیکایی مبارزه جویانه می خواستند. آنان نیاموخته بودند که سندیکای برای تصرف قدرت سیاسی تلاش نمی کند و این کار تشکیلی دیگر است. سندیکادر همه امور جامعه اظهار نظر و دخالت می کند، ولی بر انداز حکومت نیست. هیات مدیره سندیکای مستقل کارگران کفاش بارها این نظرات را در جلسات خود به بحث گذاشت، اما دیدگاهها همچنان متفاوت بود. هر دو گروه بر نظریات خود پافشاری می کردند. تا آنکه هیات مدیره بر آن شد با ترتیب دادن جلسه ای فراگیر (پلنوم) و طرح موضوع با فعالین، اعضای قدیمی سندیکا، اعضای با اعتبار یا بقولی ریش سفیدان، اعضای هیات مدیره های قبلی، و اعضای استخواندار صنف کفاش با طرح موضوع، قبل از مجمع عمومی اختلاف نظر پیش آمده راحل کرده نماید. به همین منظور با رعایت همه جوانب رازداری جهت بیرون رفتن موضوع اختلاف از سندیکا، اعضای مورد نظر را طی دعوتنامه ای در روز مشخص گرد آورده و طبق تصمیم هیات مدیره هر آنچه در این نشست تصمیم گرفته می شد برای هر دو طرف بحث پذیرفتنی بود. در نشست فراگیر همه ی طرفین بحث با طرح استدلال ها و دفاع از نظریات خود آنچه را لازم می دانستند در این نشست مطرح کردند و در نهایت این نشست فراگیر با تایید عملکردهای مدیره خاتمه یافت. منتقدین نیز به رای اکثریت تمکین کرده از ادامه بحث خودداری کردند.

در دهه پنجاه یکی از فعالین قدیمی و از اعضای شورای متحد ه (کنفدراسیون کارگری قبل از کودتای 28 مرداد) و از دبیران دهه چهل سندیکای کارگران کفاش بنام نجات پاره دوز همدانی که در میان کارگران کفاش از محبوبیت خاصی برخوردار بود، کاندیدای دبیری سندیکاشد. در جلسه پیش از مجمع عمومی در شعبه بازار سندیکا، که برای معرفی کاندیداهای عضویت در هیات مدیره برگزار شده بود، با انتقاد از عملکرد عباس سرابی دبیر وقت سندیکا، او را به نرمش در مقابل رژیم شاه متهم کرد. او با دادن شعار های تند و اینکه اومی تواند بهتر از دبیر فعلی، سندیکای کارگران کفاش را راهبری کند، کاندیدای دبیری سندیکای مستقل کارگران کفاش شد. بیش از سیصد کارگر در مجمع عمومی که در محل سندیکای کارگران خباز واقع در میدان شاه آباد، بدلیل وسعت جا برگزار شد شرکت کرده، و آرای خود را به صندوق ریختند. نجات همدانی با رای بالایی به دبیری سندیکا انتخاب شد. انتخاب او نه از جهت دادن شعار های تند، بلکه به دلیل سوابقی که از او ذکر می کردند اتفاق افتاد. در سندیکای کارگران کفاش اینطور مطرح بود که نجات همدانی از کسانی است که در 1325/5/15 به هنگام مسافرت لویی سایان دبیر فدراسیون جهانی کارگران به ایران جهت تحقیق درباره وضع سندیکاهای ایرانی، نجات همدانی در پای پلکان هواپیما از او به نمایندگی شورای متحد استتقبال کرده بود. همه کارگران قدیمی در آرزوی روز های خوش شورای متحد بودند و آمدن کسی مانند نجات همدانی می توانست بخشی از این اتفاق باشد. با دبیری نجات همدانی همگان بدنبال اتفاقات جدید در امر رهبری سندیکای کفاش بودند. برای فعالین مشخص بود که سندیکای کارگران کفاش تنها در دبیر خلاصه نمی شود، بلکه هیات مدیره ای 11 نفره در امر پیشبرد مشکلات سندیکایی وزنه ای به مراتب بالاتر از دبیر سندیکا ست. پس از چندی هیات مدیره سندیکا اطلاع یافت که آقای نجات همدانی در کنگره آزاد مردان و آزاد زنان حضور یافته و فعالیت می کند. در اساسنامه سندیکای مستقل کارگران کفاش عضویت اعضای هیات مدیره در گروه های سیاسی منع شده بود. هیات مدیره این موضوع را با آقای نجات همدانی در میان گذاشت. نجات همدانی در جواب گفت: «من کی از شما دعوت کردم بیایید، من تنها رفتم و ارتباطی هم به سندیکا ندارد. من که از طرف ویا نمایندگی سندیکا رفتم.» قبل از برگزاری روز افتتاح کنگره آزاد مردان و آزاد زنان، افرادی به هیات مدیره اطلاع دادند که دبیر سندیکای کارگران کفاش، آقای نجات همدانی در روز افتتاح کنگره، رییس سنی کنگره بوده و ایشان کنگره را افتتاح می کند. لذا هیات مدیره با آنکه در آخرین ساعاتی روز قبل از برگزاری کنگره اطلاع یافته بود، با سرعت از اعضای هیات مدیره و دبیر سندیکا دعوت کرد تا در جلسه ای که فردا صبح ساعت 6 در محل سندیکای کارگران کفاش تشکیل می شود، حضور یافته در مورد مشکلات کارگران کفاش صحبت کنند. این ترفندی بود برای آنکه نجات همدانی به این کنگره نرود. قرار بود در این جلسه آنقدر همدانی را سوال پیچ کنند تا ساعت کنگره را فراموش کند. ولی همدانی در آخرین لحظات، جلسه هیات مدیره را ترک کرده، دوان دوان خود را به کنگره آزاد مردان و آزاد زنان رساند. فردای آنروز عکس نجات همدانی در روزنامه کیهان چاپ شد، که در میان هیات رییس کنگره نشسته بود. این برای سندیکای مستقل کارگران کفاش که خود را بدور از آلودگی به رژیم شاه نگه داشته بود، بدعتی سخیف شمرده می شد. چند ماهی بعد از این اتفاق مجمع فوق العاده کارگران کفاش برگزار و نجات همدانی را از دبیری سندیکا کنار گذاشت.

استدلال نجات همدانی برای عمل اشتباه آمیز خود این جمله از شاه بود: «هر کسی نمی تواند در این کشور زندگی کند چمدان هایش را بسته از ایران برود» اومی گفت: «اگر من در کنگره شرکت نمی کردم اساس سندیکا به مخاطره می افتاد. من خلاف اساسنامه رفتار کردم، اما تلاشم در نگهداری سندیکا از یورش رژیم شاه بود.»

او نیاموخته بود که رفتار رهبران سندیکایی تنه‌بانم آنان نوشته نخواهد شد، بلکه رفتار و کردارشان همه سندیکا را تحت تاثیر قرار خواهد داد و زندگی اتحادیه‌ای را به خطر می‌اندازد. او درک نکرد که سندیکای کارگران کفاش متکی به اعضا و فعالین و هیات مدیره‌ای فعال و در جهت منافع کارگران است. این ارتباط منظم رهبران سندیکایی با 15000 کارگر کفاش است که آنان را از هر خطری مصون خواهد داشت و هیچ احتیاجی به سازش با رژیم شاه و این گونه رفتارها نیست. او اعتصاب کارگران کفاش در سال 1333/4/14 یکسال پس از کودتای آمریکایی 28 مرداد و بازداشت 600 نفر از کارگران صنف کفاش را از یاد برده بود. فراموش کرده بود، این ارتباط دایم با کارگران و آموزش صحیح و توانمندی بالای رهبری سندیکای کارگران کفاش بود که توانست، نه تنها کارگران کفاش اعتصابی را از شکنجه گاه‌های رژیم نجات دهد، بلکه هیات مدیره دستگیر شده سال 1332 سندیکای کارگران کفاش را نیز از چنگ رژیم آدمکش پهلوی بدر آورد.

اوباشعارهای افراطی آمدوبه همکاری با رژیم شاه رسید. اوبه خرد جمعی سندیکا و قدرت کارگران باور نداشت و فکرمی کردیک تنه می‌تواند سندیکا را رهبری کند. نیاموخته بود که عصر قهرمانان منفرد به پایان رسیده است. شاید اوباعث برتری لحظه‌ای در مجمع عمومی به دبیر وقت سندیکا شد، اما خرد جمعی این اشتباه را به زودی تصحیح کرد. نجات پاره دوز همدانی کارگرماند و تارو زهای انقلاب به فعالیت و زندگی کارگری خود ادامه داد.

مازیار گیلانی نژاد

پرانتر باز

می نویسم: پرنده

پرانتر را نمی‌بندم

می‌خواهم پرنده آزاد بماند.

(زیبا)

تاکید ILO بر آزادی تشکل‌ها و چانه‌زنی‌های جمعی

سازمان جهانی کار (ILO) گزارشی در مورد شرایط جهانی مرتبط با اصول اساسی و حقوق کار، منتشر کرده است. به گزارش ایلنا و به نقل از پایگاه اینترنتی سازمان جهانی کار، که با عنوان «اصول اساسی و حقوق کار: از تعهد تا عمل» منتشر شده به مسائلی از جمله آزادی تشکلها و چانه‌زنی‌های جمعی، کار اجباری، کودکان کار و تبعیض پرداخته شده است. گای رایدر، مدیر اجرایی استانداردهای اصول اساسی و حقوق کار ILO در این زمینه می‌گوید: «این گزارش نگاهی دارد به پیچیدگی‌های زندگی واقعی دنیای کار و به دنبال تشخیص فرصت‌ها و چالش‌های کلیدی است. بالاتر از همه این که در پی مشخص ساختن این مطلب است که سازمان بین‌المللی کار، به همراه کشورهای عضو و شرکای اجتماعی، دقیقاً چکاری را برای غلبه بر این پیچیدگی‌ها باید انجام دهند.» این گزارش بر این

موضوع تاکید دارد که رعایت اصول اساسی و حقوق کار به عنوان کلیدی جهت جهانی شدن عادلانه و پایدار و همین طور یکی از ستون های «برنامه کارمناسب و معقول در سازمان بین المللی کار» شناخته شده است. در این گزارش آمده است که بیش از نیمی از جمعیت جهان در کشورهای زندگی می کنند که در آنها هنوز «کنوانسیون های سازمان بین المللی کار» در مورد آزادی تشکل ها و چانه زنی های جمعی به تصویب نرسیده است. با این وجود که در حدود 90 درصد کشورهای عضو سازمان بین المللی کار تمامی هشت کنوانسیون راتصویب کرده اند. گای رایدر می گوید: «این به آن معنی نیست که 90 درصد کار انجام شده است. تصویب همواره به معنی رعایت این حقوق نیست و تصویب نکردن هم معنی رعایت نکردن حقوق رانمی دهد» در کنفرانسی که در ژنو برگزار می شود درباره نظرسنجی کلی هیات کارشناسان در مورد کاربرد کنوانسیون ها و توصیه ها گفتگومی شود تا برای نخستین بار چالش ها و موفقیت های اجرای همه 8 کنوانسیون اساسی سازمان بین المللی کار مورد بررسی قرار گیرد. کنوانسیون های اساسی از این قرار اند: کنوانسیون های شماره 98 و 87 درباره آزادی تشکل ها و چانه زنی های جمعی، کنوانسیون های شماره 29 و 105 در مورد کار اجباری، کنوانسیون های شماره 100 و 111 در مورد تبعیض و کنوانسیون های شماره 138 و 182 در مورد کودکان کار است.

برگرفته از روزنامه کار و کارگر 91/4/7

شورای عالی دستمزد، کارگران را به مرگ تدریجی محکوم کرده است

افزایش 18 درصدی یعنی مبلغ 389 هزار 754 تومان حداقل دستمزد در حالی اعلام گردید که مطابق برآورد رسمی کمیته مزد استان تهران، نرخ فقر شدید در کشور 577 هزار 400 تومان برآورد شده است. ایننا 14 اسفند ماه 90 گزارش داده بود: «طبق معیارهای بهداشت جهانی، نرخ هزینه فقر شدید در کشور 575 هزار 400 تومان برآورد شده است. نرخ سبد هزینه خانوار کارگری با در نظر گرفتن 2000 کالری برای افراد بزرگسال و 1800 کالری برای کودکان و همچنین حذف کالاهای پارانه ای از قبیل آب، برق، گاز و نان برای سال 1391، 795 هزار 595 تومان تعیین شده است. با احتساب افزایش 44 درصدی قیمت مسکن و خوراک، نرخ سبد هزینه خانوار 920 هزار تومان است.» با توجه به این برآورد رسمی، با این حداقل حقوق کارگران و خانواده هایشان چگونه باید زندگی کنند؟ در یک برآورد رسمی دیگر، ایننا 8 اسفند 90، خاطر نشان ساخته بود «با اجرای قانون هدفمندی یارانه ها کاهش 50 درصدی ارزش پول ملی منجر به کاهش 50 درصدی قدرت خرید کارگران کشور شد. در حال حاضر کارگران بخش قابل توجهی از حقوق دریافتی خود را صرف هزینه حامل های انرژی می کنند، این در حالی است که نرخ تورم در کلان شهرهای کشور همچنان در حال افزایش است.» تمامی آمارها و گزارش های اقتصادی نشانگر این واقعیت است که دستمزد طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان کشور بسیار پایین تر از نرخ واقعی تورم قرار دارد. در این زمینه ایننا 17 اسفند سال گذشته نوشته بود: «زندگی کارگران همیشه یکسال از تورم عقب تر است.» در دهه های گذشته نیز هیچگاه مزد بر اساس نرخ واقعی تورم افزایش نیافته است در سال 57 با یکماه حقوق، کارگرمی توانست دوسکه تمام و یک نیم سکه خریداری کند امروز چه؟؟؟

جوادظاهریان

عمده واردات گوشت و مرغ در دست چه کسانی است؟

به گفته رییس اتحادیه واردکنندگان گوشت و موادپروتینی خام دامی ایران، وابسته به جهادکشاورزی عمده واردات را درزمینه گوشت و مرغ در دست دارند و در حال حاضر شرکت پشتیبانی اموردام عملا به یک واسطه بزرگ جهت خرید گوشت و مرغ درمقیاس کلان واز بازارهای جهانی برای تجار ایرانی تبدیل شده است. این در حالی است که مدیرعامل این شرکت با تاکید بر این که مافیای گوشت درکشور وجود ندارد، گفته که در سال گذشته دولت اصلا واردات گوشت انجام نداده است. حسین صدر رییس اتحادیه واردکنندگان گوشت و موادپروتینی در گفتگوبا ایسنا تاکید کرد: «شرکت پشتیبانی اموردام مشکل اصلی درزمینه واردات گوشت و مرغ است. شرکت هایی می خواهند گوشت و مرغ واردکنند باید از شرکت پشتیبانی اموردام مجوز بگیرند و از آنجا به سازمان دامپزشکی معرفی شوند. ولی اینکه اساسا شرکت پشتیبانی اموردام چه کاره است، من نمی دانم، چون دروظیفی که برای این شرکت تعریف شده، رسالت ذاتی اش این است که نهادهای دامی راتهییه کرده و در اختیار تولیدکنندگان قرار دهد. به اعتقاد من شرکت پشتیبانی امور دام در حال حاضر بزرگترین مشکلی است که درزمینه واردات گوشت وجود دارد و این در حالی است که در بحث واردات گوشت و مواد پروتینی خام دامی این ظرفیت و پتانسیل وجود دارد که قیمت هاتا 30 درصد کاهش یابد، ولی انگار نیرویی وجود دارد که نمی خواهد این موضوع اجرایی شود.»

برگرفته از روزنامه آرمان 91/3/18

روزنامه دنیای اقتصاد 91/3/24: پایانه های گمرکی به بخش خصوصی واگذار می شود.

در حالی که تحریم های خارجی شدت یافته است، برنامه خصوصی سازی در چارچوب آزادسازی اقتصادی در حال پیاده شدن است. پس از واگذاری واحدهای تولیدی به بخش خصوصی بازاری، اینک نوبت به گمرک کشور رسیده است تا سرمایه داری دلال و سودجو برای تصاحب آن دندان تیز کند. طرح واگذاری پایانه های گمرکی در سراسر کشور با استقبال پرمعنای اتاق بازرگانی و نمایندگان سرمایه بزرگ تجاری روبرو گردیده و تاجرهای عمده از هم اکنون برای این واگذاری به صف شده اند. خصوصی سازی پایانه های گمرکی به معنای آزادی بیشتر سرمایه داری انگل تجاری برای واردات سیل آسا به کشور به بهای نابودی بنیه تولیدی و صنعتی است. خصوصی سازی گمرک و مقررات زدایی به همراه خصوصی سازی بانک ها و بیمه ها از اجزای سیاست های صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی است.

فروش دروازه های اقتصادی کشور به سرمایه داری انگل خائن تجاری به مثابه بازکردن درهای کشور به روی دشمن است.

رضا کارشناسان

گزارش یک گفتگو

پارکبان ها انسان های شریفی هستند که حداقل چند باری با آنها مواجه شده ایم ولی هیچگاه از آنان نپرسیده ایم چه مشکلاتی دارند. در تاریخ 91/3/28 در مترو گلشهر به صادقیه با علی آقا آشنا و با او وارد صحبت شدم. از شرایط کاریش پرس و جو کردم. او که دل پُری از این قضیه داشت و از قضایبیمار هم بود، گرم صحبت شد: «از ساعت 6/5 صبح کارم شروع میشه و تا برسم خونه ساعت میشه 11 شب. کنتراتی کار می کنم و روزی باید 67000 هزار تومن به کارفرما بدم. از حقوق وزارت کار، مزایا، بیمه، عیدی هیچ خبری نیست. کار ما این جوریه که اول شهرداری هر خیابون رو برای اجاره به بخش خصوصی، به مزایده می گذاره. بعد کارفرمای ما برای اون که در مزایده برنده شه مبلغ بالایی پیشنهاد می کنه که بتونه خیابون رو بدست بیاره بعد برای اینکه این مبلغ بالا از جیب مبارکش پرداخت نشه اون رو به قیمت 67000 تومان روزی به ما اجاره می ده. هر روز که به خونه میرم، وقتی 67000 هزار تومن رو از درآمد کم می کنم فقط شرمنده گی زن و بچه برایم باقی می مونه. مبلغ کار یک روزم به در خونه نرسیده تموم شده. ما سندیکا نداریم که از ما حمایت کنه، اصلن کسی نیست به حرف دل ما گوش کنه. یکبار که به شهرداری که زیر مجموعه اش هستیم شکایت کردیم و حتا 40 نفری از پارکبان ها دست از کار کشیدیم به دادگاه شکایت بردیم، ولی تنها جوابی که شنیدیم، این بود که هزارتا بیکار پشت در صف کشیده اند، نمی خواهید خوش اومدید. توی یه جلسه ای هم که شهرداری برای پارکبان ها گذاشته بود یکی از اعضای رده بالای شهرداری تهرون هم همین حرف رو زد: هر کی ناراضیه هر موقع خواست می تونه بره. پارکبانان حتما مجبورند برا یونیفورم هم پول بدن. ما پیشنهاد کردیم که با لباسای خودمون کار کنیم ولی می گن: لباسای شما که آرم شهرداری نداره؟ برا یک جفت کفش، یکتا پیرهن و شلوار 50 هزار تومن میگیرن. زمستون هم یه بارونی آوردن که به لعنت خدا نمی ارزید، هم آب توش میره هم سرما. مجبور شدیم کاپشن و گرمکن بخریم تا مریض نشیم. می گیم آقا آدرس شلوار و پیرهن دوزه رو بدید ما خودمون بریم بخریم تا خرجمون کمتر شه، به روی مبارکشون نمیارن اصلن دکون باز کردن. مامورای بازرسی خودشون یه داستان دیگه ان. عین اجل معلق می رسن شروع به بازخواست می کنن: چرا لباساتون کثیفه؟ چرا اتو نداره؟ چرا... چرا... یکی نیست به اینا بگه بابا شب جنازه مون خونه میرسه همین که لباسامون نو می شوریم شاهکاره، اتو هم میخواین؟؟ عموجون وضعیت خیلی سختیه به همون گفتن آگه یه روز به هر دلیلی حتا مریضی سرکار نیومدین باید 67000 هزار تومن رو بریزید به حساب به ماریطی نداره وگرنه اخراجید.» بیمار بود و باحال نزار خودش را جمع و جور کرده بود تا به سرکار، هر جور که شده برسد وگرنه باید 67000 هزار تومن بی زبان را در حساب کارفرما بریزد. سال گذشته هنگامی که در پشت در اتاق عمل همسرش ایستاده بود و نگران نتیجه جراحی همسرش، کارفرمای نامحترم تماس گرفته بود که کجایی و چرا سرکار نیستی؟ امشب هر طوری که هست باید 67000 هزار تومن رابه حساب بریزی وگرنه از فردا سرکار نیا. نمی دانم علی در آن هنگام به چه حالی دچار شد ولی می دانم که انتخاب سخت و کشنده ای را پشت سر گذاشت. ضرورت تشکل راحس کرده بود و خواهان آن بود. اما نبود امنیت شغلی و 18 ساعت سر پا در خیابان بودن رمقی برای پیگیری حق و حقوق برایش باقی نگزارده بود.

(هانی)

قابل توجه شهروستانیهای محترم

به تعدادی کارگرساده - دربان- ظرف شور- آشپز- کمک آشپز- ساندویچ زن - پیتزا پز -
فست فود باغذا و جای خواب با حقوق بالا نیازمندیم.

آدرس میدان انقلاب اول جمالزاده جنوبی کوچه

وقتی به آگهی فوق زنگ زدم، منشی مهربانی با دانستن اینکه جویای کارم مرا به مدیریت وصل کرد. آقای مدیر پس از آنکه احوال پرسى معمول انجام شد، اعلام کرد: «چون شما تهرانی هستید نمی توانیم کاری به شمارجوع کنیم، زیرا کار فقط برای شهرستانی هاست.» پس از اصرار که از اهالی هشتگرد کرج هستم و نیازمند کار، گفت: «حقوق ماهانه 800 هزار تومان است.» وقتی پرسیدم آیا سر هر ماه این حقوق را دریافت خواهم کرد، گفت: «برای جای خواب 200 هزار تومان، برای غذا 150 هزار تومان، حمام 50 هزار تومان، شستشوی لباس 50 هزار تومان، لباس و کفش و پیراهن 70 هزار تومان کسر شده مابقی در سر هر ماه پرداخت خواهد شد. ساعت کار از 9 صبح تا ساعت 9 الی 10 شب است.» به زبان ساده یعنی 13 ساعت کار با کسر مبلغ گفته شده 280 هزار تومان در هر ماه برای فقط شهرستانی های بی پناه که نتوانند به این حقوق و این گونه راهزنی و حشیانه اعتراض کنند.

ای که یک درصد شده حاکم به خلق فرصت این باند را پایان کجاست؟

چاره آن در جهان همبستگی است ورنه ز آنان تنگ بر ما زندگی است

علی جعفری (کارگر)

خبرنامه فلزکار شماره 43

دوستان کارگر! خبرهای داخل گیومه که در این شماره ذکر می شود همگی از خبرگزاری ایننا و روزنامه کاروکارگر نقل می شود. چنانچه نظریا انتقاد و یا پیشنهادی دارید با ما تماس گرفته و نشریه پیام فلزکار را برای هرچه بهتر شدن یاری کنید. سپاسگزاریم.
فلزکار

همانطور که پیش بینی شده بود موج اخراج ها واحدهای تولیدی را چون اختاپوسی در بر گرفته است، که ما گوشه ای از این اخراج ها را بازگو می کنیم:

«30 کارگر کارخانه ماه ماشین در شهرک صنعتی شمس آباد اخراج شدند- بیکاری 4 هزار کارگر کوره پزخانه پاکدشت به دلیل افزایش قیمت سوخت- 250 کارگر کارخانه منابع تغذیه الکترونیک اخراج شدند- 220 کارگر کارخانه کرومانیت بیکار شدند- 70 کارگر تکنوپخت رفسنجان اخراج شدند- تعداد کارگران اخراجی کیان تایر به 130 نفر رسید- بدلیل عدم حمایت دولت تولید کارخانه شهاب متوقف و 400 کارگر آن در آستانه بیکاری- تعطیلی کارخانه تن ماهی و بیکاری 80 نفر در محصولات دریایی جنوب - 80 درصد چغندکاران در آستانه بیکاری- اعلام تعطیلی 17 کارخانه در نامه ای به رییس شرکت ملی مس، که عامل مهم اخراج 1700 کارگر شده است-»

اخراج 160 کارگر سایبایدک باقرآبادشهرری. مشکل مواد اولیه 100 هزار کارگر نساجی اصفهان را تهدید می کند. «بخشی از این اخراج ها مربوط به تحریم های کشورهای سرمایه داری است و بخشی هم به دلیل افزایش قیمت حامل های انرژی با هدفمندی یارانه هاست.» قطع برق واحدهای تولیدی بدهکار از سوی دولت و تشدید روند بیکاری کارگران گردیده است - یک سوم واحدهای نساجی قزوین تعطیل شدند- لوله سازی سدیدماهشهر، یکی از 3 کارخانه بزرگ لوله سازی در آستانه تعطیلی- با افزایش قیمت گاز در سال گذشته و افزایش قیمت نان موج جدید بیکاری کارگران نانوايي در راه است- قطع اشتراک انرژی صنایع بدهکار، بیکاری را افزایش می دهد» که همه اینها باعث بالا رفتن نرخ بیکاری و افزایش «بیش از 210 هزار نفر از صندوق بیمه بیکاری مقرری می گیرند» شده است. اما بیکاری تنهایی از معضلات کارگران و زحمتکشان است. آن بخش از کارگران نیز که در واحدهای تولیدی مشغول بکارند نیز تنها بعد از هدفمندی یارانه ها، مزایا و حقوقشان کمتر شده، بلکه بدلیل سود جویی کارفرمایانی که با پول های بادآورده و روابط فاسد اداری توانسته اند کارخانه هایی را زیر قیمت بخرند و با وامهای آنچنانی کارخانه های تولیدی را به چنگ بیاورند، با پرداخت نکردن حقوق کارگران، باعث تعطیلی کارخانه ها و تجمع و اعتراض کارگران می شوند» 700 کارگر کارخانه سپاهان در اعتراض به شرایط کاری و حقوقی دست از کار کشیدند- کارمندان 118 شیراز که با قرارداد جدید 150 الی 200 هزار تومان از دستمزدهایشان کاسته شده بود برای پنجمین روز دست از کار کشیدند- اعتراض 450 کارگر کارخانه پارس سرام به قطع اضافه کاریها و سایر مزایای جانبی از سوی کارفرما- قطع اضافه کاری و مزایا در گروه صنعتی بهمن- تجمع کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت در پی عدم دریافت 11 ماهه حقوق- تجمع کارگران شهرداری خوزستان به علت عدم دریافت پرداخت 3 ماهه حقوق- اعتراض کارگران منطقه 5 شهرداری اهواز به عدم دریافت 5 ماهه حقوق- حقوق 200 کارگر بوژان 4 ماه است که به تعویق افتاده است. تهدید کارفرمایان معادن خاک نسوز منطقه چيروک در صورت امتناع کارگزاران انعقاد قرار داد سفیدامضا به اخراج» اما منسجم ترین اعتراض توسط 10 هزار کارگر 5 استان کشور به اجرای هدفمندی یارانه ها شد. در این بیانیه اعتراضی کارگران خواستار افزایش دستمزدها، ردپیش نویس قانون کار ضد کارگری به مجلس داده شده- اعتراض به بی نظمی در پرداخت حقوق ها و تعقیب کارفرمایانی که بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضا کارگران را وادار به کار می کنند، را خواستار شده بودند. واقعیت این است که اخراج ها و موج بیکاری و تعطیلی کارخانه ها باعث شده «کارگران هزینه فشار دولت به صاحبان صنایع را می پردازند- هدفمندی یارانه ها باعث بحران 70 درصد صنایع استان اصفهان شده است» دوستان کارگر، با این بیکاری ها و عدم دریافت حقوق، آنچه اتفاق می افتد فشار کارگران بیکار برای دستیابی به کار کارگران شاغل و دادن بهانه برای پایین آوردن دستمزدها به کارفرما و از طرفی افزایش حوادث کاری است. کارفرمایان با استخدام کارگران ساده به جای کارگران ماهر برای دادن دستمزدی نازل به این کارگران برای کارهای تخصصی و صرفه جویی در ندادن وسایل ایمنی به کارگران تازه وارد و ناشی و همکاری وزارت کار با حذف بخش بازرسی ایمنی کار از وزارت کار و ساده انگاری ایمنی در کارخانه ها و بخش ساختمان، باعث کشتار کارگران در یک ماه اخیر گردیده، به این آمار توجه کنید: «انفجار کارخانه ای در قشم و مصدومیت 15 کارگر- جداشتن سر از بدن یک کارگر 3 ماه شاغل شهرداری قلعه ریسی که کیلویه و بویراحمد- سقوط بالای در کازرون موجب مرگ 4 کارگر شد- سقوط یک کارگر جوان از داربست در تهران- سقوط دلوچاه باعث کشته شدن یک مقنی در تهران شد-

دو کارگر 20 ساله و 40 ساله در هنگام برشکاری در یک ساختمان در حال تخریب به دلیل نشت گاز دچار سوختگی شدند- سقوط بالابر جان چهار کارگر در سد رنگی را گرفت- سقوط کارگر 40 ساله از طبقه هفتم و سقوط کارگر دیگر از طبقه پنجم- افزایش برق گرفتگی کارگران ساختمانی در فصل گرما» بیشترین حوادث کارناشی از کار در ساختمان سازی به دلیل رعایت نشدن استانداردهای ایمنی در بخش ساختمان اتفاق می افتد. دستمزد کم، حذف مزایای کارگران، افزایش ساعات کاری، بیشتر شدن حوادث کاری، و در یک کلمه حمله به دستاورد های کارگران از جمله 8 ساعت کار- بیمه- امنیت شغلی- و سایر دستاوردها است. بیکاری باعث افزایش کارهای کاذب بخصوص «حداقل 3 میلیون دلال غیر رسمی در کشور فعالیت دارند» شده است. اما کارگران نیز بیکار ننشسته اند و با هشیاری به این حملات پاسخ می دهند. از جمله «تجمع اعتراض آمیز کارگران شهرداری ارومیه برای حذف شرکتهای پیمانکاری». حمله به دستاوردهای کارگری با اجرا نکردن طرح بیمه کارگران ساختمانی شروع شده و اعتراض کارگران رانیز در پی داشته است. اعتراض «500 نفر از اصناف کارگران ساختمانی قزوین، خراسان شمالی، البرز، به نحوه اجرای بیمه بیکاری». اما تنها دغدغه کارگران و زحمتکشان کشورمان بیکاری و کمی دستمزد نیست بلکه روبه رو بودن با گرانی روزافزون است که سفره کم رنگ آنان را کمرنگ تر کرده است. گرانی مرغ، گوشت، برنج، روغن، نان، بلیط اتوبوس و مترو. موضوع جالب این است که «در آستانه ماه رمضان ضربان گرانی مثل همیشه تند شد و افزایش قیمت مرغ به کیلویی 7300 تومان در هر کیلو رسید». بانک مرکزی رشد افزایش قیمت هارا 34 درصد می داند در حالی که حداقل مسکن 50 درصد رشد داشته است چه تناسبی است بین افزایش 18 درصدی دستمزد کارگران و 15 درصدی کارمندان و بازنشسته ها با افزایش 30 درصدی قیمت نان. البته قول بی پشتوانه و همیشگی سرپرست وزارت بازرگانی به مردم: «قول می دهم قیمت مرغ تایک هفته آینده متعادل شود 91/4/6» که در زمان نگارش 91/4/30 هنوز افزایش صعودی داشته است. آقای سرپرست وزارت بازرگانی قول بی پشتوانه شما را قبول کنیم یا دم خروس هر روزه گرانی را. البته از این موارد دم خروسی کم نیست. «تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوشتر برای اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان- علی اکبر خبازها: رییس جمهوری وزیر کار دستور دادند موضوع همسان سازی حقوق بازنشستگان را بررسی و نظرش را تامین کند. درنشستی که با وزیر کار داشتیم ایشان صراحتا گفت: همانطوری که دست من مو ندارد، پول برای پرداخت در این خصوص نیست» گرانی، بیکاری، اخراج، عقب افتادن دستمزدها، چه حاصلی داشته است: «1- با تشدید بحران اقتصادی، خروج فرزندان جامعه کارگری از مدرسه 2- مدیرکل فرهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر: سن اعتیاد به زیر 20 سال رسیده است 3- ازدواج 75 دختر و پسر زیر 10 سال. بر اساس آمار 400 هزار ازدواج زیر سن قانونی، 13 سال برای دختران و 15 سال برای پسران 4- کشف اختلاس بزرگ در بانک سپه 60 میلیارد تومان» یعنی خارج شدن دختران و پسران از چرخه آموزشی، رشد اعتیاد، رشد ازدواج های زیر سن قانونی رشد اختلاس و فساد اداری. اینها تحلیل کارگران فلزکار مکانیک نیست، بلکه اطلاعاتی است که در این 2 ماهه اخیر از طریق روزنامه های قانونی به بیرون انتشار یافته است. وقتی در مجلس لایحه های ضد خانواده تصویب می کنند، یعنی به مردان اجازه چند همسری میدهند، دختران زیر ده سال برای مردان بیمار ولی پولدار جاذبه ای حیوانی خواهد داشت. این چیزی است که بر سر جامعه کارگری و میهن و هموطنان شریف ما در حال اتفاق افتادن است. در حالی که بخشی از جامعه ازنداری و فقدان ساده ترین وسایل

معیشتی بی بهره است، سرمایه داری انگل تجاری با واردات، ورشکستگی رابه صنایع ماتحمیل کرده و سودهای نجومی دربخش ساختمان و واردات از همه نوع برده، بدون آنکه به کسی حساب پس بدهد. «واردات گوشت گوساله ازچابهار آزاد می شود- واردات میوه های زمستانی درتابستان، پرتقال های مصری و ترکیه ای از راه رسیدند- واردات جوهای هلندی روسی با رشد 156درصدی به ایران- برنج ایرانی در انبار، برنج خارجی در بازار» برای تجار بی وطن، غارت ثروت ارزهای نفتی مامهمترین انگیزه برای نابودی دامداری وکشاورزی وصنعت ماست. برای آنان فرقی نمی کند که باغدار مازنی خانه خراب شود یا لوله سازی اهواز بسته وکارگانش به نان شب محتاج. آنان سود خود را می خواهند به هر قیمت، حتا نابودی استقلال اقتصادی و به خطر افتادن امنیت ملی. قیچی نابودی کشاورزی ایران دولبه دارد اگر تجار گوش بفرمان صندوق بین المللی پول با واردات به نابودی کشاورزی و دامداری تلاش می کنند، «قائم خانه کشاورز: به رغم ممنوعیت واردات میوه، هم اکنون شاهدیم که بازار مملو از میوه های وارداتی است و به همین خاطر تهدید 40 هزار شغل در بخش کشاورزی را شاهدیم» دستهای پنهان درسیستم اداری با نپرداختن «بدهی 25 میلیارد تومانی دولت به چایکاران» نیز به خانه خرابی چایکاران کمک می کنند. اما جالب است که اگر سرمایه داری انگل تجاری با همدستی سیاست های اقتصادی تلاش در نابودی کشاورزی دارند «قطر خواستار اجاره زمین های کشاورزی ایران شد» و این داستان فاجعه باری است از ورود سرمایه های خارجی برای استثمار بیشتر. جالبتر اینکه باتمام تلاش های ایران برپاده در سیاست خارجی و کوبیدن به طبل رویارویی با آمریکا «افزایش 3 برابری صادرات آمریکابه ایران طی سال اخیر» مواجه هستیم. یعنی سرمایه داری انگل تجاری اسب خود را برای سود بیشتر همچنان می تازاند و کاری هم به شعارها و پزهای سیاسی ندارد. از طرفی تجار آمریکایی نیز سود برایشان از تحریم های دولت آمریکا و اتحادیه اروپا بسیار مهم تر است.

در حالی که ما در کشورمان بایکاری و حذف هزاران شغل و تهدید بالا رفتن سن بازنشستگی و گرانی مواجه هستیم برادران و خواهران ما نیز در سراسر دنیا با همین مسایل مواجه اند. «اتحادیه کارگری ایتالیا در شهرهای رُم، میلان یک اعتصاب 24 ساعته علیه شرایط کاری، افزایش بیکاری، افزایش کارهای موقت، افزایش مالیات، مالیات بر مسکن، افزایش مالیات بر کالاها و خدمات، کم شدن مقرری بازنشستگی و حق سلامت و امنیت اجتماعی و باج گیری های بانکی و اتحادیه اروپا، اعلام کردند- همچنین اتحادیه های کارگری استرالیا در اعتراض به بررسی قانون کار جدید که حقوق و مزایای کارگران بطور چشمگیری کاهش خواهد یافت، اعتراض کرده و دست به اعتصاب سراسری خواهند زد- درگیری و تعطیلی در اسپانیا توسط اتحادیه های کارگری، به دلیل کسری بودجه دولت و سرشکن کردن این کسری بردوش کارگران و در نهایت کاهش دستمزدها و تحمیل افزایش مالیات به زحمتکشان» حمله به دستاورد های کارگران و زحمتکشان در سراسر جهان بخصوص بازنشستگی با این توصیه ی سازمان های سرمایه داری صورت می گیرد: «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD در گزارشی اعلام کرد از آن جایی که متوسط طول عمر همچنان رو به افزایش است، لازم است کشورها سن بازنشستگی را بالا ببرند»

اعتراض سازمان یافته 10 هزار کارگر در 5 استان کشور علیه پیش نویس ضدکارگری قانون کار، هدفمندی یارانه ها، قراردادهای موقت، مهمترین رویدادهای کارگری است و باعث سرفرازی و اعتلای جنبش کارگری، که درسی بسیار آموزنده برای فعالین از حرکت های کارگری است.

رویدادهای بالا به ما می آموزند، باید همگام با بازنشستگان برای همسان سازی مقرری ایشان با کارمندان، کارگران برای عقب افتادن دستمزدهایشان- کارگران ساختمانی برای اجرایی شدن بیمه کارگران ساختمانی - تلاشی هماهنگ کرد. اما تازمانی که این اعتراضات در قالب سندیکاها و دیگر تشکل های کارگری صورت نگیرد، همچون اعتراضات کارگران فرش بابلسر- کیان تایر- نساجی مازندران، کشتی سازی صدرا و پتروشیمی، بصورت زودگذر خواهد بود. طبقه کارگر راهی جز سازماندهی خود و همبسته شدن با دیگر کارگران و زحمتکشان ندارد هم آموزی و همپوشانی درسی است که می توان از پیشکسوتان سندیکایی آموخت و بکاربرد.

*در تاریخ 91/4/13 فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد برای همسان سازی حقوق پرسنل تحت پوشش شهرداری، تجمعی را در برابر شهرداری مرکز درپارک شهرتهران سازمان دادند.

*خانم شیرینی یکی از رانندگان اخراجی سامانه تندرو بی آر تی که به اتهام نشر اکاذیب از طرف شرکت اتوبوسرانی واحد به دادگاه احضار شده بود با حکم تبرئه، سرفرازانه از دادگاه به خانه رفت.

ضمن تبریک به خانم شیرینی برای این سرفرازی، کارگران فلزکار مکانیک در هر شرایطی همگامی و همبستگی خود را با زحمتکشان سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد اعلام می کند.

کودک ، کار ، زندگی – کودکان کار، کارگران فردا

کودکان کار می کنند که خرج خانه و زندگی شان را بدهند مثل خودم که دستمال یا گاهی اوقات فال می فروشم چون که پدرم افغانستان است پس از این به بعد فقط من باید کار کنم که خرج خانه و کرایه ی خانه را بدهم تا به حال کسی هست که مانده من کار کرده باشد؟ بله. می دانم که کسی هست مانند من کار کند من خودم هم کار کردن را دوست دارم اما دوست ندارم که شهرداری بگیرد چون که مرا تا به حال 4 بار شهرداری گرفته است در اخبار گفته شده که زیر 18 سال نباید کار کند خوب چاره ای نیست باید کار کنیم من سر یک چهارراه کار می کنم که اسم آن هم چهارراه فاطمی است اما من جایم را عوض کرده ام در پارک لاله کار می کنم. روزی 10 یا 20 هزار تومان هم در می آورم. اما چون شهرداری زیاد است روزی 10 هزار تومان در می آورم. حتی کودکان کوچکتر از من هم کار می کنند. نه! نباید کار کنند خودم هم نباید کار کنم اما مجبورم که خرج خانه را بدهم. هزاران هزار بچه ی کوچک ترا من کار می کنند خوب آنها هم می خواهند خرج خانه و خانواده شان را بدهند مثل من. من همه ی روزها خودم تنهایی کار می کنم یعنی تنهایی سر کار می روم فقط روزهای جمعه برادر بزرگتر از خودم مرا می برد. بیشتر کودکانی که کار می کنند ایرانی نیستند از کشورهای دیگری هستند. می خواهم بگویم دستمال می فروشند فال می فروشند اسکاچ چسب زخم دستمال آشپزخانه دستمال ماشین دستمال مخصوص شیشه اسپری بدن و خیلی چیزهای دیگر من هم از افغانستان هستم یعنی خودم در ایرانم به دنیا آمده ام اما پدر و مادرم در افغانستان به دنیا آمده اند.

میترا امیری کلاس چهارم (موسسه حمایتی خانه مهر کودکان)

آخرین ضربه

خانه های امیدمان را

بر سرمان فرو ریخت.

وما بی هیچ تعجبی

از کنار آوارمان گذشتیم.

جیغ مان انتهای سکوت را

به لرزه در آورد

و کرم ها

هنوز در حسرت مرگمان

بر زمین سر می کوبند

و فردا

که سر از جمجمه های تاریکمان در آورند

دیگر لبخند را

جبار احمدی 91/4/25

نخواهند چشید.

ریزگردها و مشکلات بهداشتی

لااقل 20 استان کشور در اردیبهشت ماه اسیر این پدیده بسیار مخرب شده اند. ایلنا 27 اردیبهشت نوشت: «چندی پیش 17 استان کشور تحت تاثیر جریان ریزگردهای عربی بودند اما اکنون این تعداد به بالای 20 استان رسیده است... متأسفانه مشکل بیابان و گرد و غبار مشکل جدی برای کشورهاست. اکنون این گرد و غبار در عراق، عربستان و تاحدودی در اردن و سوریه است.» مشکل ریزگردها از مدت هاپیش در استان های غربی و جنوب غرب کشور وجود داشت و مردم شهرهای استان خوزستان، ایلام، بوشهر بطور میانگین هر دو ماه یکبار در معرض این ریزگردها و هوای بشدت آلوده واقع می شدند. اکنون دامنه این ریزگردها به استان های مرکزی، شمالی، و شمال غربی کشور کشیده شده است. و اخیراً در استان های اردبیل و کردستان سطح شهرها و روستاها رانیز دربرگرفته است. علت پیدایش و گسترش ریزگردها نامشخص نیست. کارشناسان محیط زیست و هواشناسی مدت هاست نسبت به گسترش زیان بار این پدیده که از پیامدهای نابودی و تخریب محیط زیست و از جمله جنگل ها و دریاچه هاست، هشدار داده بودند. سد سازی های غیر اصولی در کشور، و نقش فوق العاده منفی دولت ترکیه در قبال وضعیت حقوقی رودهای دجله و فرات، جنگ و تجاوز نظامی آمریکا و ناتوبه عراق و نابودی زیرساخت های این کشور، همگی عامل هایی اند که به پیدایش و گسترش ریزگردها منجر شده است. در این خصوص روزنامه شرق، 28 اردیبهشت گزارش داد: «چالش ریزگردها، ساخته دولت ها! در ایران، بین النهرین، شرق سوریه، جنوب ترکیه، عربستان و عراق، بی توجه به ملاحظات بوم شناسی، طرح های توسعه به اجرا درآمده که سبب شده امروز با پدیده ریزگردها مواجه شویم... ما در ایران روی رودخانه کرخه سد کرخه را تأسیس کردیم که موجب شد تالاب مرزی حور اعظیم، تالاب های اطراف هویزه و خوزستان خشک شوند، و جزایر مجنون و تالاب شادگان از بین بروند که همه این ها تحت تاثیر انتقال آب رودخانه ها و زدن سدهای بهمنشیر، کرخه و کارون است، یعنی در واقع به دست خودمان 1 میلیون هکتار چشمه گیر گرد و خاک را از بین بردیم.»

روزنامه شرق در ادامه این مطلب به نقش ترکیه که در پیدایش ریزگردها در منطقه عامل اصلی است اشاره می کند: «علاوه بر این ها دولت ترکیه از ضعف دولت مرکزی عراق استفاده کرده و پروژهای معطل مانده سدسازی خود را به اجرا درآورد. مطابق تعهدات بین المللی، ترکیه اجازه نداشت تا تمامی حقایق دجله و فرات را برای خود مصرف کند. اما بیش از سهم خود استفاده کرد و اگر قبلاً 5600 مترمکعب درثانیه آب به عراق می رسید با رفتار ترکیه این رقم به 2 هزار مترمکعب درثانیه رسیده است و هنگامی که نوری المالکی نخست وزیر عراق نسبت به این مساله اعتراض کرد که چرا حقایق را درست پرداخت نمی کنند، وزیر کشور ترکیه گفت: مگر شما منابع نفتی خود را به اشتراک می گذارید که ما آب را به اشتراک بگذاریم. این جمله بسیار خطرناک است، چرا که اگر قرار باشد بالا دست رودخانه با این استدلال رفتار کنند در جهان با بحران های جدی رو برو خواهیم شد.» همان گونه که اشاره شد، یکی از کانون های اصلی ریزگردها بیابان های داخلی عراق است که با کم شدن حجم آب رودهای دجله و فرات با وزش بادهای موسمی منطقه را درگیر هوای ناسالم و غبار آلود می سازد به هر روی، پدیده ریزگردها باعث خسارت های فراوان انسانی و مالی به همه کشورهای منطقه از جمله ایران است. ضمن توجه به محیط زیست، کاشت جنگل و گسترش فضای سبز در کشور می باید از لحاظ حقوق بین المللی کشور ترکیه مورد بازخواست و پیگرد قرار گیرد تا بر این پدیده بسیار خطرناک چیره شد.

رضاکارشناسان

تاریخچه سندیکای کارگران منبع آب تهران

در دهه 20 که هنوز در تهران آب لوله کشی وجود نداشت، در هر محله تهران میرآبهای مسئول تأمین آب مردم محل بودند. مردم تهران با کمک میرآبها آب را به داخل خانه هایشان و نهایتاً آب انبارها هدایت می کردند. تا اینکه فرمان فرمائیان آب شربی رادر میدان توپخانه پشت بانک سپه روبه روی شهربانی به توسط لوله یا شیر فشاری ایجاد کرد که به نام آب فرمان فرمائیان و سپس به نام آب شاه معروف شد. آب شاه توسط منابع کوچکی که توسط گاری حمل می شد به در خانه های مردم برده هر 2 سطل، 1 قران فروخته می شد. در دهه 20 شرکت سیوند که در تملک انگلیسی هابود با پیمانکاری به نام کیهانی قراردادی را امضا می کنند که 6 ساختمان تلمبه خانه اصلی جهت پمپ آب برای لوله کشی تهران احداث کند. این شش تلمبه خانه به ترتیب:

- 1- منبع آب شماره 1: واقع در جلالیه (کارگر شمالی) روبه روی میدان اسب دوانی (پارک لاله)
- 2- منبع آب شماره 2: واقع در یوسف آباد روبه روی کلانتری
- 3- منبع آب شماره 3: در بهجت آباد
- 4- منبع آب شماره 4: خیابان بهاربالا ترازیمارستان شهربانی
- 5- منبع آب شماره 5: در قصر بیسیم
- 6- منبع آب شماره 6: در عشرت آباد

شروع به عملیات ساخت نمودند. در سال 1330 این شش شعبه نزدیک به 1000 کارگر در رشته های بنایی، آجرچینی، سیمان کاری، نجاری، آرماتوربندی، مکانیکی، آهنگری و... مشغول به کار بودند. سندیکای کارگران منبع آب تهران از سال 1327 شروع به شکل گیری نمود، که در سالهای 29 و 30 که فضای بازتری جهت فعالیت سندیکایی در دوران حکومت دکتر مصدق پدید آمد به فعالیت گسترده ای دست زد. هر شعبه منبع آب دارای یک سندیکای واحد بود که توسط هیأت مدیره ای جدا از دیگر شعبات اداره می شد. از همان سالهای اولیه و شروع و اوج فعالیت سندیکایی در دهه 20 فعالین کارگری چنان تمهیدی را اتخاذ کردند که تمامی کارگران استخدام شده در هر 6 شعبه منبع آب تهران توسط سندیکا به کارگزینی معرفی و نهایتاً از قبل عضو سندیکا می شدند. به جرأت می توان ادعا کرد که 100% کارگران شاغل در منبع آب عضو سندیکا بودند. از کارکنان اداری کسی عضو سندیکا نبود ولی بودند کسانی در قسمت اداری که روابط خوبی با سندیکاها داشتند مانند آقای سیروس راستین. بعد از عضوگیری و انتخابات و تعیین هیأت مدیره برای هر سندیکای منبع آب و شکل گیری کمیسیونها، خواسته های کارگران هر شعبه منبع آب به شرح زیر تعیین گردید :

هشت ساعت کار، تعطیلی روز جمعه با حقوق، مرخصی سالیانه با حقوق، ایاب و ذهاب، لباس کار، یک وعده غذا اگر چنانچه کارگری بیش از هشت ساعت کار کند، اضافه کار با احتساب 35%، و همچنین اجرای کلیه قوانین بین المللی کار، در دستور کار هیات مدیره قرار گرفت. تازمان شکل گیری و قدرتمندی سندیکا، کارگران روزانه 14 ساعت کار بدون احتساب اضافه کاری را انجام می دادند. تنها روزهایی که کارگر کار می کرد دستمزد دریافت می نمود. حتادر تعطیلات رسمی مانند عاشورانیز دستمزدی به کارگران داده نمی شد. از سال 1327 به بعد، سندیکاهای هر شعبه پس از تأسیس باهم ارتباط گرفته از هر سندیکانماینده ای جهت اداره و هماهنگی بهتر سندیکاها معرفی شدند. از منبع شماره 1: آقای حسین ابراهیمی کارگرنجار که دبیر ارتباطات سندیکای منبع شماره 1 بود. از منبع شماره 2: آقای اسد مارالانی کارگر بنا که رئیس هیأت مدیره سندیکای منبع شماره 2 و مسئول ارتباط با سندیکاهای چیت سازی، سیلو، دخانیات و کوره پزخانه بود. از منبع شماره 3: آقای حیدر معروفی کارگربنا که منشی و مسئول مالی سندیکای منبع شماره 3 بود. از منبع شماره 4: آقای ایاز کارگرنجار که عضو هیأت مدیره سندیکای منبع شماره 4 بود. از منبع شماره 5: حیدر چشمه شی کارگر نجار که عضو هیأت مدیره سندیکای منبع شماره 5 بود. از منبع شماره 6: رحیم یکرنگی کارگرمکانیک که عضو هیات مدیره سندیکای منبع شماره 6 بود.

از فعالین شعبه بهار می توان از بخشعلی هاشمی کارگر بنا و رحمان محمدنژاد، اسرافیل عیوضی، عقیل و اعلائی که بعدها عضو ساواک شد و نبی اله معروفی کارگر سیمان کارنام برد که مسوول کارهای اداری کارگران در وزارت کار و بیمه و مسوول عملیاتی کردن هشت ساعت کار که، تا تیر ماه 1331

وجود نداشت، بود. این‌ها از پایه گذاران اتحادیه سندیکاهای کارگران منبع آب بودند که به طور شورایی مسائل کارگری را حل و فصل می کردند. البته این شورا هیچگاه خود را اتحادیه ننامید. جلسات هیات مدیره در همان محل کار هر منبع تشکیل می شد، که برای خودش محلی را اختصاص داده بود. این محلها زیرزمینهای بزرگی بود که در حال حاضر مخازن آب می باشند. هیات مدیره روزهای دوشنبه هر هفته بعد از کار روزانه جلسه داشت و در روزهای پنج شنبه هم جلسات عمومی برگزار می کرد. در جلسه عمومی هم دستاوردها و هم خواسته های بیان شده و نظرات و پیشنهادات اعضا یادداشت شده و در جلسه روز دوشنبه در هیات مدیره پس از بررسی و تصمیم گیری مجدد، در جلسه روز پنج شنبه به اعضا رایج و جهت عملیاتی کردن آن رای گیری می شد. در سال 30 تا 32، قبل از کودتا، 3 اعتصاب هماهنگ و موفقیت آمیز توسط سندیکای کارگران منبع آب تهران در هر 6 شعبه منبع آب صورت گرفت که در تیر ماه 1331 منجر به کاهش ساعات کار از 14 ساعت به 8 ساعت و اضافه کاری با 35% اضافه دستمزد محاسبه گردید. روزهای جمعه و هر تعطیل رسمی جزو روزهای کار محاسبه شد و کارگران حقوق دریافت می نمودند. این اعتصابات همگی با هماهنگی شورای متحده مرکزی و سندیکاهای کارگران دخیانیات، چیت سازی و سیلوانجام می گرفت که از حمایت کارگران این 3 سندیکا برخوردار بودند. اعضای کمیته اعتصاب از افراد زیر تشکیل شده بود: بخشعلی هاشمی، عطا معروفی، عبدالله نجفی، محمدحسین وهاب پور، نبی اله معروفی و اسد مارالانی. در یازدهم اردیبهشت سال 1331 در حقیقت روزارزیابی نیروهای سندیکایی بود. این جشن کارگری که در منبع شماره 4 شعبه بهار با هماهنگی هیات تدارکات به سرپرستی سیروس راستین، حیدر معروفی و رحیم یکرنگی سازمان یافته بود، با سخنرانی پی در پی اعضای سندیکا و نماینده شورای

متحده و با حضور 900 كارگر شاغل در شعبات منابع آب برگزاري شد، باشعر آقاي اسرافيل عيوضي رنگي ديگر گرفت. اسرافيل عيوضي شعري به زبان آذري با اين ابیات آغاز كرد :

آتي لار آتي لار
آي گوي آتي لار

بيزيم بو وكيل لريمز
مجلس ده پولا ساتدي لار

يعني : وكلاي مجلس مردم را به پول فروختند .

واين به معنای آغاز اعتصابات هماهنگ و موفقيت آميز كارگران منبع آب گرديد .

يكي از ابتكارات اين سنديكا تأسيس صندوق تعاون كارگران منبع آب بود كه دفتر آن در خيابان فردوسي نبش فروشگاه فردوسي داخل كوچه در ساختمان 5 طبقه اي قرار داشت. كارگران با پرداخت 3% از حقوق خود عضو صندوق تعاون شده و در صورت بيماري از طرف صندوق به درمانگاه ياپزشكان معرفي ميشدند. هزينه روزهاي بيكاري و درمان آنها توسط صندوق تعاون پرداخت مي شد. يكي ديگر از كارهاي سنديكاي كارگران منبع آب تهران حمايت از اعتصاب 10 روزه كارگران كوره پزخانه هاي تهران بود. كارگران كوره پزخانه ها توسط سنديكاي خود كه دبيرش آقاي آقازاده بود خواستار افزايش 25% دستمزدها و اجرائي قانون بيمه هاي اجتماعي بودند. در 1332/4/6 اعتصاب كارگران كوره پزخانه ها شروع و متعاقب آن روز بعد اعتصاب كارگران كارخانه كوره سوزان اتفاق افتاد كه در پي عدم قبول خواست هاي سنديكاي كارگران كوره پزخانه ها بود. در روز 32/4/10 وزارت كار پيشهاد 15% اضافه حقوق را اعلام و از كارگران خواست كه به سركار خود بازگردند. با چانه زني سنديكاي كارگران كوره پزخانه ها در روز 32/4/15 كارگران كوره پزخانه ها با پذيرفتن 20% اضافه دستمزد و حق بيمه و كارگران كارخانه كوره سوزان با توافق با وزارت كار مبني بر 25% اضافه

دستمزده به اعتصاب خودپیروزمندان خاتمه دادند. در این 10 روز اعتصاب، سندیکای کارگران منبع آب با جمع آوری خواربار و پول و رساندن آن به کارگران اعتصابی کوره پزخانه، حمایت خود را از این اعتصاب اعلام داشت و همچنین با هماهنگی سندیکای کوره پزخانه ها، سیلو، دخانیات، چیت سازی و سندیکای بنایان بانوشتن نامه ای خواستار ملاقات با دکتر محمد مصدق و بازگویی مشکلات را داشتند که مورد قبول واقع نشد. اما کارگران سندیکای منبع آب باروی هم گذاشتن قران قران پول، تلگرافهای متعددی به دولت زدند و از خواسته های سندیکای کارگران کوره پزخانه و اعتصاب آنها حمایت کردند. مضمون یکی از این تلگرافها به شرح زیر می باشد:

جناب آقای دکتر محمد مصدق و وزارت کار. ما کارگران منبع آب تهران از اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها حمایت کرده و از اینکه حقوق کارگران کوره پزخانه مورد التفات واقع نمی شود در دولت شماهروز باید کارگران 14 ساعت در شبانه روز کار کرده و روزهای تعطیل را از حقوق محروم باشند و از رفاه و آسایش و بیمه محروم باشند، مورد اعتراض مامی باشد. با اعتصاب کارگران کوره پزخانه آجر مورد نیاز جهت کارهای ساختمانی منبع آب تهران فراهم نشده و عنقریب موجب بیکاری ما کارگران را فراهم خواهد آورد. چنانچه با خواسته های آنها موافقت نشود، بیکاری و اخراج دامن گیر ما خواهد شد. کارگران منبع آب تهران

یکماه ونیم بعد از این اعتصاب، کودتای 28 مرداد رخ داد. اعضای هیأت مدیره قبل از آنکه حکومت کودتا به سراغ آنها برود از محل کار خود متواری شدند. در روز 32/6/1 نظامیان با 2 کامیون سرباز 1 کامانکار از نظامیان زبده و 1 جیب که حامل سرهنگ جاوید پور بود، به منبع آب شماره 4 خیابان بهار آمده و منبع آب را اشغال کردند. درب ورودی رابسته و شروع به صدا کردن افراد مورد نظر کردند. در همین

حال نماینده وزارت کار نیز جهت صورت قانونی دادن به اخراج کارگران با يك تاكسي وارد منبع آب شد. کارگران مورد نظر را بدون هیچ گونه مزایا و تنه‌ها حقوق روزهای کار را محاسبه نموده و پس از پرداخت از درب بیرون می کردند. از فعالین سندیکایی حمداله وهاب پور، عطااله معروفی و نبی اله معروفی و بخشعلی هاشمی را با ضرب و شتم از داخل اتاق اداری به سمت کامیون بردند که در نتیجه ضربات وارده نبی اله معروفی بیهوش به داخل کامیون برده شد. کارگران اخراجی که بارها چنین مسائلی را تجربه کرده بودند با تجمع در مقابل درب ورودی و نشستن در زیر درختان خیابان بهار منتظر عاقبت کارگران سندیکایی خود بودند. بخشی از کارگران منبع آب شعبه بهار را که آرامنه تشکیل می دادند و از کارگران فنی و ماهر بوده و ساکن خیابان بهار، پس از اطلاع از ضرب و شتم یاران سندیکایی خود با زنان و فرزندان و با هماهنگی دیگر کارگران در جلوی درب ورودی صف کشیده و کارگران را دعوت به نشستن کردند تا مانع خروج و دستگیری یاران سندیکایی خود شوند. سرهنگ جاوید پور با اطلاع از تجمع کارگران و نشستن روی زمین و احتمال زدو خورد در آن بُرهه زمانی، پس از بردن کارگران بازداشتی به دفتر اداری و محاسبه حقوق شان، این چهار کارگر سندیکایی را آزاد نمود. کارگران برای آخرین بار همگی با دوستان بازداشتی تازه آزاد شده به پارک شهر رفتند و در مورد آینده صحبت کرده و سپس به دنبال سرنوشت خود پراکنده شدند.

بعد از 28 مرداد سال 1332 سندیکاهای شش منبع آب تا اواخر سال 1333 به طور متفرقه فعالیت می کرد که با نظامی شدن محیط کار، با افول حرکت‌های سندیکایی روبرو هستیم. اعضای اصلی اتحادیه سندیکایی کارگران منبع آب تهران، حسین ابراهیمی، اسد مارالانی، حیدر معروفی، ایاز، حیدر چشمه شی، رحیم

یکرنگی هیچگاه فعالیت سندیکایی نکردند و به شهرستان هاپناه بردند.

اما آنچه که رژیم شاه نمی پنداشت، اتفاق افتاد. حمداله وهاب پور، نبی اله معروفی، بخشعلی هاشمی در دهه چهل از فعالین سندیکایی کارگران بناهای تهران بودند و تا سال 1362 در این سندیکابه فعالیت های کارگری و سندیکایی خود ادامه دادند.

مازیار گیلانی نژاد

باحذف یارانه ها از ساختار اقتصاد کشور و جهانی شدن قیمت کالاها، باید دستمزد زحمتکشان نیز جهانی شود.

مردم ایران با تحریم خرید کالاهای خارجی مشابه داخل، برادران و خواهران کارگیشان را در واحدهای تولیدی بیکار نخواهند کرد. تحریم خرید کالاهای خارجی، مبارزه با سرمایه داری تجاری وابسته به سرمایه داری جهانی است.

کارگران فلزکارمکانیک خواستار آزادی کلیه کارگران سندیکایی، فعالین کارگری، فعالین انجمن های صنفی آموزگاران، خبرنگاران، وکلا، هنرمندان، می باشند.

اخبار کارگری، نظرات و پیشنهادات شما راهگشای ما ست.

سندیکا سازمان طبقه کارگر برای مطالبات خواسته های اقتصادی و اجتماعی است. سندیکا سنگری در مقابل هجوم سرمایه داری به دستاوردهای زحمتکشان است. سندیکا سازمانی طبقاتی، فراگیر، دمکراتیک است.

محدود کردن فعالیت طبقه کارگر به مطالبات صرفا اقتصادی، به کارفرمایان امکان می دهد تا سلطه سیاسی و اندلوژیک خود را بر زحمتکشان حفظ کند. بنابراین باید خاطرنشان کرد که بینش طبقاتی درباره سندیکا رشد و تقویت پیدا کرده است. شاهد این امر همانا رشد مبارزات زحمتکشان در مجموعه کشورهای سرمایه داری است. بدینسان شرایط مساعدی بیش از پیش برای وحدت زحمتکشان و سازمان های سندیکایی آنان در این ممالک فراهم می شود. بینش طبقاتی درباره سندیکالیسم به وضوح نشان میدهد که بین مبارزه برای دفاع از منافع مادی و معنوی زحمتکشان از یک سو و مبارزه برای

آزادی زحمتکشان از استثمار سرمایه داری و سلطه امپریالیستی از سوی دیگر ارتباط
نزدیک وجود دارد.

برگرفته از آموزشهای سندیکایی فدراسیون جهانی سندیکاها